گفت‌وگوی اختصاصی «جوان» با برانکو ایوانکوویچ، سرمربی کروات پرسپولیس

امنیت ایران را هیچ جای دنیا ندارد

۹۰ سالگی مربیگری فوتبال را کنار می‌گذارم و استاد دانشگاه می‌شوم!

دنیا حیدری

مرد یخی، لقبی بود که فوتبال ایران به پروفسور طراح تمرینات بلاژ داده بود. شاید چون او هرگز مانند بلاژویچ نتوانست شومن خوبی باشد و فوتبال و هوادارانش را به هیجان بیاورد. حتی وقتی بی‌دردسر و بدون اما و اگر تیم ملی را راهی جام جهانی ۲۰۰۶ کرد. برانکو حضور موفقی در فوتبال ایران داشت اما این موفقیت‌ها هم نتوانست او را به مربی محبوبی تبدیل کند؛ چراکه بسیاری معتقد بودند تیم او محتاط و کسل‌کننده بازی می‌کند. شاید به همین دلیل وقتی پرسپولیس دست روی او گذاشت، با انتقادهای فراوانی مواجه شد. انتقادهایی که با شروع فصل، یک تساوی و سه باخت پیاپی به اوج خود رسید. اما حالا، او را می‌توان به جرئت یکی از محبوب‌ترین مربیان خارجی حال حاضر فوتبال ایران دانست. مربی‌ای که باز هم برای دفاع از خود در برابر انتقادها لب باز نکرد اما این بار آمار و ارقام و عملکرد او توانست پاسخی محکم باشد برای منتقدان و مخالفانش که حالا بسیاری از آنها تغییر موضع داده و در صف حامیان او قرار دارند. به طوری که حتی گفته می‌شود در صورتی که کرش از تیم ملی برود، تنها کسی که گزینه نشستن به جای او روی نیمکت تیم ایران است، برانکو است؛ برانکویی که این روزها یکی از بهترین مربیان خارجی لیگ است؛ تیمش با نتایجی قابل قبول، اکنون یکی از تیم‌های بالانشین جدول و مدعی قهرمانی است. سرمربی پرسپولیس در یکی از روزهای بهاری در هتل المپیک پاسخگوی سؤالات ما بود. سؤالاتی از اوضاع و احوال سرخپوشان تهرانی و حتی تیم ملی که او بی‌دغدغه آن را راهی جام جهانی کرد. اگر چه خیلی‌ها معتقد بودند آن تیم زیبا بازی نمی‌کرد و محتاط و دفاعی بود؛ مسئله‌ای که البته برانکو هرگز آن را نمی‌پذیرد و با آماری دقیق و جالب، رد می‌کند.

شروع فصل امسال برای پرسپولیس خوب نبود. با یک تساوی برابر پدیده تازه وارد آغاز شد و سپس سه باخت پیاپی وحشت را از همان ابتدا برای هواداران این تیم به تصویر کشید.

این واقعیتی است که گفتید. متأسفانه در ابتدای فصل مشکلات زیادی داشتیم. می‌دانستیم که با مشکلات بزرگی روبه‌رو خواهیم شد؛ چراکه می‌دانستیم هنوز آماده نبودیم، ۱۵ روز قبل از شروع فصل تیم را جمع کردیم آن هم نه کامل و دروازه‌بان ما پنج روز قبل از شروع فصل آمد و آن هم بدون آمادگی و تمرین. انتظار مشکلات زیادی را داشتم. طبیعی است که ما هم دوست داشتیم از همان ابتدای فصل خوب و با قدرت آغاز کنیم، اما به مشکلات هم واقف بودیم. سوشا محروم بود. طارمی و عالیشاه هم نبودند. در آن شش هفته‌ای که بازی‌ها را باختیم شرایط منطقی نبود. ما خوب بازی می‌کردیم. مثلاً مقابل سپاهان یا ذوب آهن خیلی خوب کار کردیم اما متأسفانه یک عامل خارجی که همان تصمیمات داوری بود هم علیه ما بود و همه مسائل دست به دست هم داد تا موفق نباشیم درست مثل بازی با سایپا. بعد از آن می‌دانستیم و مطمئن بودیم که می‌شود و خودمان را باید سازماندهی کنیم با بازی‌های زیباتر و نتایج قابل قبول و بازیکنان با عملکرد خود خوش‌بینی خوبی به ما القا کردند. با کارشان، با تمریناتشان و مطمئن بودیم که روزهای خوب ما هم شروع می‌شود تا اینکه امروز ما با ۱۹ بازی بدون باخت مدعی قهرمانی هستیم (این مصاحبه قبل از دربی چاپ شده است) که اگر کمی خوش‌شانس بودیم و هفت، هشت پنالتی که از دست دادیم را از دست نمی‌دادیم الان قهرمانی ما قبل از موعد مسجل بود. اما توانستیم بازی متفاوتی را ارائه دهیم. تیمی با بازیکنانی جوان، سرحال، تازه‌نفس و مدرن در کنار نفرات باتجربه از جمله مرحوم نوروزی، بنگر، نورمحمدی و سوشا. در کنار تمام مشکلاتی که در شروع فصل داشتیم، فاجعه فوت هادی نوروزی برای ما شوک پشت شوک بود؛ یک فاجعه واقعی. اما در کنار تمام مشکلاتی که در شروع و ادامه کار داشتیم- مشکلات مالی و فنی و بازیکنان و.... - باشگاه با یک ثبات مدیریتی و حمایت، ما را همراهی کرد تا امروز در کنار استقلال تهران و خوزستان برای قهرمانی بجنگیم.

خیلی جالب است تیمی که کاندیدای سقوط بود، امروز مدعی قهرمانی است. برعکس آن را شاهد بودیم تیم‌هایی که خوب شروع کردند اما در ادامه افت کردند اما پرسپولیس کاملاً برعکس بود.

پرسپولیس باشگاه بزرگی است. سال گذشته مشکلات زیادی داشت و برای بقا می‌جنگید. وقتی آمدیم یکی از وظایف ما حفظ تیم در لیگ بود و بعد برد مقابل پیکان به این هدف رسیدیم و خب طبیعی است با مشکلات زیادی وارد فصل جدید شدیم اما موفق شدیم؛ با انتخاب‌های خوب از بازیکنان و اعتقاد به بازیکنان و اعتماد به خودمان و کارمان به علاوه دانش و کیفیت در باشگاه به این بزرگی، تیم را به آنچه مستحق آن بود برسانیم و این نتیجه تلاش بازیکنان بود

اصرار داشتید تیم من را از هفته ششم ببینید و پرسپولیس دقیقاً از هفته ششم متحول شد. این اعتماد از چه رو بود و بر چه اساسی؟

اصل کار ما بر این اساس بود که با کار فراوان نتیجه بگیریم با کار و کار و کار و البته تحلیل و ارزیابی توانایی بازیکنانم. ما از طریق کارمان تلاش بازیکنان را شناختیم و متوجه شدیم هم کیفیت، هم توانایی و دانش کار را دارند. می‌دانستیم شش هفته اول بازی‌های بسیار سختی داریم اما از هفته ششم به بعد می‌توانیم امیدوار باشیم برای پیشرفت و این هم تجربه شخصی بنده و همکارانم بود که بر اساس توانایی بازیکنان به آن رسیدیم و تنها شعبده و جادوی ما کار بود و کار و تمرین.

برانکو از توانایی بازیکنانش حرف می‌زند. یک وقت هست که پرسپولیس بازیکنان شناخته شده دارد. مثل تیمی که راهی جام جهانی ۲۰۰۶ شد. پر بود از لژیونر. آنچه که تیم امروز برانکو ندارد. پیش از این هم در پی ناکامی‌های پرسپولیس گفته می‌شد این تیم بازیکن بزرگ در حد نام پرسپولیس ندارد که موفق نمی‌شود. امروز هم چنین بازیکنانی را ندارد اما چطور است که توانسته رنگ موفقیت را به خود ببیند؟

ما قبل از هر چیزی انتخاب صحیحی کردیم. بازیکنانی را انتخاب کردیم که تشخیص دادیم بازیکنان توانا و مدرنی هستند. به رغم نفراتی که اسم دارند و کارآیی ندارند. اینها توانایی‌های زیادی داشتند که می‌دانستیم با کار و تمرین می‌توان کیفیت‌شان را از هر لحاظ بالا برد. روی آنها کار کردیم. اعتماد به نفس دادیم. روی مسائل فنی، تاکتیکی و روحی کار کردیم و مهم‌ترین مسئله این بود که آنها را مجاب کنیم که کیفیت بالایی دارند و خودشان را قبول کنند و روحیه قهرمانی و برنده شدن را در آنها ایجاد کردیم و توانستیم در کنار هوادارانمان که یار دوازدهم ما هستند به اینجا برسانیم. اما این پروسه ادامه دارد و آنچه ما را خوشحال می‌کند این است که این بازیکنان می‌توانند از این هم بهتر شوند. از لحاظ فنی و بدنی تا بتوانند فاکتورهایی که حول و حوش تیم‌های بزرگی مثل پرسپولیس هستند را هضم کرده و درک کنند در چه تیمی هستند.

اما استفاده از بازیکنان جوان یک خطر دیگر هم دارد و اینکه ممکن است بازیکنان خیلی زود اشباع و دچار غرور کاذب شوند و این می‌تواند برای هر تیمی تخریب‌کننده بوده و نتیجه عکس داشته باشد.

درست است، همه چیز را خوب می‌دانید و دقیقاً همین طور است که اشاره کردید. این یکی از خطرات اعتماد به نفس کاذب است و یکی از خطرات مستمر و دائمی در هر باشگاهی مخصوصاً در باشگاه‌های بزرگ‌تری مثل پرسپولیس؛ چراکه به هر حال رفتارها در چنین باشگاهی به مراتب بیشتر از باشگاه‌های کوچک به چشم می‌آید. ظرفیت معروفیت، حضور در رسانه‌ها و بالا رفتن یک باره استاندارد مالی بازیکنان و همه اینها خطرات نابودکننده‌ای است و در این موقعیت این وظیفه ماست که چطور بازیکنان را روی زمین نگه داریم که الکی اوج نگرفته و پرواز نکنند. چراکه خیلی وقت‌ها پیش می‌آید بعد از یک یا دو فصل موفقیت‌آمیز این خطر بروز کرده و بازیکن نابود می‌شود و این را در گذشته داشتیم و آنچه هدف ماست اینکه بازیکنان بفهمند که باید به طور روزانه خود را نشان دهند. هر روز باید این را بفهمند و درک کنند در پرسپولیس هستند و در هر بازی باید ثابت کنند که استحقاق حضور در پرسپولیس را دارند. پرسپولیس به طور مستمر در حال انتخاب بازیکن است و بازیکن نباید فکر کند موقعیتی که در باشگاه دارد همیشگی است و با یک بازی خوب در یک فصل جای خودش را تا آخر عمر ورزشی‌اش در پرسپولیس حفظ می‌کند. ما مدام روی این مسئله تأکید داریم.

رفتن پاناديچ هم یکی از مشکلات پرسپولیس بود. در واقع او نقش برانکوی تیم بلاژ را داشت که وقتی رفت، کار پرسپولیس بسیار سخت شد.

در واقع پاناديچ و حضورش در پرسپولیس برایم خیلی مهم بود. او سابقه فوتبالی درخشان و تجارب باارزشی داشت. در آکادمی هم دانشجوی ممتازی بود و در کار نیز کمک مهمی و بدون او کار همه ما بیشتر شد اما خب اتفاقی بود که افتاد و برای همه ما غیرمنتظره بود اما چاره‌ای نداشتیم. دنبال کمک جدیدی هم نتوانستیم بگردیم چون کمکی در حد او نمی‌توانستیم پیدا کنیم.

برانکو که به ایران آمد همه او را به عنوان یک مربی محتاط می‌شناختند و او هم هرگز از خود دفاع نکرد. یک مربی آرام و کم حرف که از بازیکنانش دفاع می‌کند اما کاملاً مشخص است به موقع مجازات هم می‌کند مثلاً طارمی را قبل از دربی رفت روی نیمکت نشاندید و به نوعی او را تنبیه می‌کنید در حالی که کسی متوجه نمی‌شود.

من در تیم ملی هم بودم. شخصیت افراد با هم متفاوت است و هر کسی روش خودش را دارد در ارتباط‌گیری و در کارش. روش من این نیست که از طریق رسانه‌ها حواشی تیم را حل کنم آن هم با هوچی‌گری. روش من این است که مشکلات را در خانه و در رختکن حل کنم و اگر نارضایتی هم داشته باشم از بازیکنان با رسانه‌ای کردن آن فرار رو به جلو نخواهم داشت و سعی می‌کنم مشکلات را در خانه و با خود آنها حل کنم. تیم را من با افکار عمومی تقسیم نمی‌کنم.

اما بازیکن ایرانی خیلی با این مسئله کنار نمی‌آید و کمتر پیش می‌آید که حرف‌شنوی داشته باشد.

در ورزش حرفه‌ای روابط کاملاً شفاف و تعریف شده است. وظایف و مسئولیت مربی و بازیکن کاملاً مشخص است. آن چیزی که من از بازیکنان می‌خواهم یک ارتباط و حضور حرفه‌ای در کار است با وظایفی مشخص و اینجا دیگر دموکراسی و من بمیرم تو بمیری وجود ندارد. من از بازیکن نمی‌خواهم از بالای برج میلاد به پایین بپرد. از آنها می‌خواهم خودشان را برای تمرین آماده کنند، برای تمرین استراحت کنند، به موقع بخورند به موقع در تمرین حاضر شوند و قبل از حضور در تمرین آمادگی کامل داشته باشند و همه مسائل دیگر را باید بگذارند بعد از تمرین. بازیکن باید تمام کارهای روزمره زندگی‌اش را با تمرینش هماهنگ کند. این را بازیکن باید بفهمد که فوتبال خیلی سخت و خسته‌کننده است و رژیم و کاری و خاص خودش را می‌طلبد و به همین خاطر معتقدم بازیکنان باید به این مسئله برسند و طبیعی است عصبانی می‌شوم وقتی این کار را انجام ندهند؛ چراکه دلیلی نمی‌بینم آنطور که می‌خواهم نباشند و به آنچه گفتم نرسند. باید برای هر تمرین روی خود کار کنند و از هر تمرین به تمرین بعد بهتر باشد تا همه ما از این بهتر شدن استفاده ببریم و دلیلی نمی‌بینم کار به دعوا و نارضایتی بکشد. به خاطر همین در تیم من خیلی نارضایتی وجود ندارد. چراکه فقط می‌توانند یا اینطوری یا آنطوری باشند و راه سومی وجود ندارد. البته من هم تا حدی تحمل دارم گاهی شاید مشکلی وجود داشته باشد و این را درک می‌کنم، اما اجازه نمی‌دهم این مسئله دائمی و روزمره شود؛ چراکه اگر این مسئله به طور روزمره جا بیفتد، تمرین دیگر تأثیری نخواهد داشت؛ چراکه ما بخشی از تمرینات بدنسازی و فیزیکی بازیکنان را از دست می‌دهیم. بازیکن باید درک کند این تمرین و این فشار برای خود اوست و اگر نفهمد که در این راستا باید حداکثر توان خود را بگذارد، تأثیر تمرین به حداقل می‌رسد. آنها در واقع باید درک کنند که از این فشار خود آنها نفع می‌برند که اگر بفهمند، بهتر و با کیفیت‌تر و راحت‌تر می‌توانند بازی کنند و همین باعث پیشرفت آنها می‌شود. در واقع شاید عصبانیت من نسبت به بعضی بازیکنان به این دلیل است که آنها بتوانند از پتانسیل بالایی که دارند به بهترین نحو استفاده کنند. شاید نتوانم هیجانی از این لحاظ بدهم اما نتیجه و کیفیت مهم است.

با این وجود توانستید این هیجان را با نوع بازی تیم به وجود آورده و به سکوها منتقل کنید.

شاید من خیلی جالب توجه نباشم چون شلوغ نمی‌کنم، تحریک نمی‌کنم، سر و صدا ایجاد نمی‌کنم، اطراف تیم و عنوان‌های خبری و تیترهای خبری نمی‌دهم و مثلاً نمی‌گویم اگر ببریم توپ قورت می‌دهم. اما معتقدم در پرسپولیس فقط بردن مهم نیست و در کنار برد باید بازی زیبا ارائه داد. یک جذابیت در بازی باید به نمایش گذاشت و یک شادابی به تصویر کشید و مردم این را درک می‌کنند و شاید به همین دلیل است که ۸۰-۷۰ هزار تماشاگر به ورزشگاه می‌آیند. البته کار ساده‌ای نیست رسیدن به این اما ما همچنان اصرار داریم به این مسئله. هم نتیجه و هم رضایتمندی هواداران مد نظر ماست و تمام تلاشی که می‌کنیم به خاطر هوادار پرسپولیس است. چراکه آنها از هر مسئله‌ای برای ما مهم‌تر هستند. ضمن اینکه همیشه می‌شود بهتر بود و همین که به موقعیت موجود راضی بشوید، کارتان تمام است و افت شروع می‌شود و این چیزی نیست که نه ما بخواهیم و نه هوادار پرسپولیس.

حتما می‌دانید حساسیت‌های هواداران پرسپولیس روی این تیم بسیار زیاد است. پرسپولیس برای هوادارانش چیزی بیش از یک تیم است.

بله، صد در صد همین است. بارسا را نگاه کنید بیشتر سمپاد دارد تا هوادار، اما پرسپولیس بیشترین هوادار را در دنیا دارد هواداری که تیمش، قلب اوست. بارسا تیمی شناخته شده در دنیاست که با بازی‌های خوبش همه را به احترام وامی‌دارد و علاقه ایجاد می‌کند اما برای هوادار پرسپولیس علاقه چیزی فراتر از کلماتی است که بیان می‌شود. این علاقه قلبی است و این تیم زندگی آنهاست و این تفاوت هوادار پرسپولیس با هواداران دیگر تیم‌های دنیاست.

برانکو در تیم ملی خیلی محتاط بود و شاید به این دلیل وقتی به پرسپولیس آمد انتقادهای زیادی به این انتخاب شد. چون همه از پرسپولیس توقع حمله دارند. اما تیم برانکو تهاجمی است این برنامه برای پرسپولیس است فقط؟ یعنی اگر به تیم ملی برگردد باز همان مربی محتاط می‌شود که دفاعی بازی می‌کرد؟

این حرف روزنامه‌ها در آن زمان بود. روزنامه‌ها می‌نوشتند من محتاط هستم و دفاعی بازی می‌کنم. آنها اینطور می‌نوشتند چراکه یک جریانی از آنها می‌خواست اینطور بنویسند. اما من به شما می‌گویم وقتی مسئله‌ای نوشته می‌شود، باید مستند باشد. من چهار سال سرمربی بودم، در آن چهار سال تیم ملی بهترین نتیجه ۴۰ سال اخیر را گرفت. بعد از ۳۰ سال ایران در بازی‌های آسیایی بوسان قهرمان شد. در نیمه نهایی کره‌ای را برد که یک ماه قبل از آن چهارم جام جهانی شده بود و هشت بازیکن، با تجربه جام جهانی را داشت. آن هم در کره بردیم نه دوحه. بعد از آن ژاپن را بردیم و قهرمان شدیم در فینال. دو سال بعد از آن، ایران سوم بازی‌های ملت‌های آسیا شد بدون شکست و به چین باخت آن هم با تبانی داور و در پنالتی. دو سال قبل از آن، چین جام جهانی بود و ایران نبود. در یک چهارم نهایی کره‌ای را بردیم که خیلی دفاعی بازی کردیم و فقط چهار گل به آنها زدیم چون خیلی دفاعی بازی کردیم. تیمی را بردیم که چهارم جهان بود. آن هم در یکی از زیباترین بازی‌های طول تاریخ این بازی‌ها و سوم شدیم. آخرین بار ایران کی سوم شده است؟ و آن زمان گفته می‌شد که من مربی دفاعی هستم. ما برای مقام سومی، بحرین را با یک بازیکن کمتر بردیم. این یک مسئله. بعد رفتیم جام جهانی. بدون شکست. مطمئن و پیش از موعد. ژاپنی را بردیم که بهترین تیم تاریخ خودش بود. درصد بردهایمان در آن چند سال ۸۰ درصد بود. آمار گل‌هایمان ۲/۸ گل در هر بازی بود و این آمار تیمی بود که می‌گفتند دفاعی بازی می‌کند و مربی آن محتاط است. حالا نمی‌خواهم بگویم در چند تورنمنت مثل غرب آسیا و ال‌جی قهرمان شدیم، اما می‌خواهم بگویم آن زمان کره چهارم دنیا بود با یک تیم عالی و ژاپن در بین هشت تیم برتر دنیا بود با مهره‌هایی چون ناکاتا و ناکامورا و عربستان هم تیمی قوی بود و چین یک تیم شرکت‌کننده در جام جهانی بود و اولین و آخرین باری بود که تیمی به این قدرتمندی بود و در چنین جوی ما تسلط داشتیم بر فوتبال آسیا. درست است؟

گفته می‌شود کرش اگر روزی برود، برانکو اصلی‌ترین گزینه است.

من با مدیرعامل باشگاه پرسپولیس به توافق رسیدم. قبل از عید این توافق انجام شده و قراردادم را دوساله تمدید کرده‌ام و تمام تمرکزم روی پرسپولیس است و امیدوارم کرش در تیم ملی موفق باشد.

و البته برانکو هم معمولاً عادت ندارد کاری را نیمه‌کاره رها کند.

این واقعیتی است اما وظیفه سنگینی را با این حرف روی دوش من گذاشتید.

تیم ۲۰۰۶ خیلی مطمئن بود به طوری که همه از اینکه این تیم به جام جهانی می‌رود مطمئن بودند، با توجه به قرارداد دو ساله‌ای که با پرسپولیس بسته‌اید آیا هوادار این تیم می‌تواند برای آینده پرسپولیس همانند تیم ۲۰۰۶ مطمئن باشد؟

اساس و فسلفه ما کار است. کار زیاد و تنها کار و تلاش است که در دراز مدت نتیجه می‌دهد. درست است شانس فاکتور مهمی است، اما اگر خودمان به خودمان نخواهیم کمک کنیم، خدا هم به ما کمک نمی‌کند. اول باید خودمان کمک کنیم به خودمان تا خدا هم از ما راضی باشد و کمکمان کند.

در پرسپولیس جوانگرایی کردید. اگر زمانی دوباره به تیم ملی بازگردید این روند را در تیم ملی هم خواهیم دید؟

من در زمان خودم تیم ملی را هم خیلی جوان کردم با بازیکنان جوان و ناشناخته‌ای که بعدها کمک شایانی شدند برای ایران. کعبی، نکونام، شجاعی، بداوی، علوی، معدنچی، مبعلی، نوید کیا و امثال آنها بازیکنان جوانی بودند که بعدها خدمات زیادی به فوتبال ایران کردند.

فوتبال ایران دیگر نشانی از آن ستاره‌ها ندارد. فکر می‌کنید برای ایجاد نسلی مطمئن که بتوانند ستاره‌های آینده فوتبال ایران را تشکیل دهند چه باید کرد؟

خیلی باید کار کرد. باید به بازیکنان جوان فرصت داد. در حال حاضر بازیکنان جوانی ظهور کرده‌اند که می‌توانند در آینده ستاره‌های بزرگی شوند. الان مثل آن زمان دیگر نمی‌توان به راحتی سر از باشگاه‌های آلمان و... در آورد، اما با کار و تلاش می‌توان باز هم ستاره‌سازی کرد.

بسیاری سعی دارند چهره ایران را مخدوش نشان داده و امنیت آن را زیر سؤال ببرند. به عنوان کسی که هم در ایران کار کرده‌اید و هم در عربستان و اروپا، قضاوتتان از امنیت ایران چطور است؟

[مصاحبه‌اش را در روزنامه‌ای در کرواسی نشان می‌دهد] این را نه چون الان مقابل شما نشسته‌ام می‌گویم. در روزنامه کرواسی هم که چند روز قبل چاپ شده گفته‌ام زمانی که عید نوروز در خانه بودم. امروز ایران یکی از مطمئن‌ترین و امن‌ترین کشورهای دنیاست. زندگی در ایران عالی است. امنیت در بالاترین حد ممکن است. تروریسم یک مأموریت غیرممکن در ایران است. مردم بسیار مهربان هستند و با آغوشی باز از خارجی‌ها استقبال می‌کنند. درست برخلاف اخبار منتشر شده و اتفاقاتی که در کشورهای همسایه ایران رخ می‌دهد و من با صراحت تأکید می‌کنم که ایران یکی از امن‌ترین کشورهای جهان است.

برانکو تحصیلات بالای آکادمیک دارد. لقب پروفسور هم به همین دلیل است. تدریس در دانشگاه را ترجیح می‌دهد یا مربیگری در فوتبال را؟

فوتبال...، فوتبال. چون دوست دارم هر روز کار کنم و تمام دانشی که از دانشگاه کسب کردم را اگر به طور عملی در فوتبال استفاده نکنم، هیچ ارزشی ندارد. دوست دارم هر روز در زمین باشم، با تیم و بچه‌ها باشم و فکر می‌کنم ۹۰ سالگی فوتبال را کنار بگذارم شاید در دانشگاه تدریس کردم.

موهای برانکو در پرسپولیس سفید شد؟

نه، اما سفید شدن موهایم در پرسپولیس سرعت گرفت.

> امروز ایران یکی از مطمئن‌ترین و امن‌ترین کشورهای دنیاست. امنیت در بالاترین حد ممکن است. تروریسم یک مأموریت غیرممکن در ایران است. مردم بسیار مهربان هستند و با آغوشی باز از خارجی‌ها استقبال می‌کنند. درست برخلاف اخبار منتشر شده و اتفاقاتی که در کشورهای همسایه ایران رخ می‌دهد

> پرسپولیس بیشترین هوادار را در دنیا دارد که تیمشان، قلب آنهاست. بارسا تیمی شناخته شده در دنیاست که با بازی‌های خوبش همه را به احترام وامی‌دارد و علاقه ایجاد می‌کند اما برای هوادار پرسپولیس علاقه چیزی فراتر از کلماتی است که بیان می‌شود. این علاقه قلبی است و این تیم زندگی آنهاست و این تفاوت هوادار پرسپولیس با هواداران دیگر تیم‌های دنیاست